

قطعنامه پیشنهادی به کنگره ۱۱ حزب

کمونیست ها و تحولات

انقلابی در ایران

۱- جامعه ایران شاهد وسیعترین اعتراضات توده ای، اعتصابات کارگری و تجمعات افشار مختلف مردم برای رفاه و آزادی، برای جامعه ای امن و مرفه و علیه جمهوری اسلامی بوده است. اعتراضاتی که در ادامه در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ با پرچم آزادی زن و برابری و عدالت و سرنگونی جمهوری اسلامی، حاکمیت را به لبه سرنگونی سوق داد و مهر خود را بر سیمای سیاسی و اجتماعی جامعه کوبید.

۲- علیرغم اینکه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ قادر به تعیین تکلیف نهایی با حکومت نشد، اما توازن قوا میان طبقه کارگر، زنان و افشار محروم جامعه با جمهوری اسلامی را کاملا تغییر داد و سنگرهایی را فتح و عقب نشینی هایی را به حکومت تحمیل کرد.

سیمای کنونی جامعه ایران و رابطه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه با جمهوری اسلامی قابل مقایسه با پیش از خیزش ۱۴۰۱ نیست. عقب راندن فضای اسلامی و قوانین مذهبی، لغو دو فاکتوی پوشش اجباری، بالا رفتن اعتبار و جایگاه زن در تاروپود جامعه، بالا رفتن وزن اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر و امید به نقش این طبقه در تحولات آتی، تحمیل حق اعتراض و تجمع، آزادی انتقاد و بیان و...، و فلج شدن نیروهای سرکوب، گوشه هایی از دستاوردهای مردم آزادیخواه در این دوره است. ... صفحه ۲

قطعنامه پیشنهادی به کنگره ۱۱ حزب:

جنبش آزادی زن دستاوردها و چشم انداز

۱- بیش از یک سال از شهریور ۱۴۰۱، میگذرد. مقطعی که در آن جدال روزانه و مقاومت چهل ساله زنان در مقابل حاکمیت اسلام و آپارتاید جنسی برزندگی شان، به تعرض و خیزش انقلابی شیفت کرد. خیزشی انقلابی که بنام «زن، زندگی آزادی» بسرعت سراسر ایران و جهان را لرزاند و جمهوری اسلامی ایران، این اولین حکومت رسماً و قانوناً متکی به آپارتاید جنسی در جهان را، به لبه پرتگاه سقوط و سرنگونی کشاند. ... صفحه ۳

قرار پیشنهادی به کنگره ۱۱

بحران محیط زیست

صفحه ۸

این جنگ ما نیست!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اسرائیل، دولت نظامی آن و نتانیاهو پس از قتل عام و نسل کشی از مردم بیگناه غزه، در بن بست داخلی و بین المللی، تلاش میکند که با کشاندن دامنه جنگ و تخاصمات نظامی به سایر کشورهای منطقه، بخصوص ایران، پای ناتو، آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا را در حمایت از خود، به خاورمیانه بکشد و خود را از انزوا بین المللی نزد حتی متحدین سنتی و تاریخی خود در جوامع غربی خارج کند. حمله اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه و کشتن تعدادی از مهره های جمهوری اسلامی، حمله ای که اسرائیل نه از سر قدرت که از سر استیصال به آن دست زده است، به موجی از ارباب، پروپاگاندهای جنگی میان اسرائیل، آمریکا و ایران دامن زده است. ص ۴

دزدی جرم است

«نه برای من، برای تو!»

گل همینجا است اینجا برقص!

مظفر محمدی - صفحه ۵۵

اطلاعیه پایانی کنگره ششم

حزب کمونیست کارگری

کردستان صفحه ۶

پیام به کنگره ششم حزب

کمونیست کارگری کردستان

آزادی
برابری
حکومت کارگری

خیزش توده ای ۱۴۰۱ و ادامه اعتراضات انقلابی در جامعه ایران، شکست ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مقابل مردم انقلابی را مسجل، انشقاق و تردید و ریزش درونی در صفوف جمهوری اسلامی را افزایش و مردم آزادیخواه را در موقعیت به مراتب بهتری در مقابل حاکمیت قرار داده است.

۳- تلاش همه جانبه جمهوری اسلامی برای تحمیل شکست به مردم آزادیخواه، با هدف مرعوب کردن جامعه و بهبود موقعیت حاکمیت، شکست خورده است. امروز ما با مردمی متوقع تر، حق به جانب تر، آگاه تر و متحد تر و حکومتی ضعیف تر روبرو هستیم. جدال طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه، زنان و نسل جوان در اشکال مختلف با حاکمیت برای رفاه عمومی، آزادی و عدالت اجتماعی، علیه فقر و استثمار و زن ستیزی به وسعت جامعه ادامه دارد. این جدال مستقل از فراز و نشیبهای آن سر باز ایستادن ندارد و این دو صف در مقابل هم صف آرایی کرده اند.

جدال با جمهوری اسلامی و تلاش برای سرنگونی آن به پولاریزاسیون سیاسی- طبقاتی در جامعه، در صفوف مردم و جنبشهای سیاسی و نیروها و احزاب آن، دامن زده است. در کنار تلاش جمهوری اسلامی برای بقا و توسل به همه ابزارها از سرکوب و ارباب تا عقب نشینی و پرهیز از رودررویی مستقیم با مردم، جدال اپوزیسیون راست و کمونیستها، بر سر نوع و نحوه سرنگونی، آترناتیو آتی و برای کوبیدن مهر خود بر سیر تحولات در ایران تا اکنون ادامه دارد. سه نیروی اصلی در این جدالها و تحولات آتی، علاوه بر جمهوری اسلامی به عنوان نیروی حاکم، دو نیروی راست بورژوازی و کمونیستها در اپوزیسیون هستند. نیروهایی که کماکان امکان زدن مهر خود بر تحولات آتی و سرنوشت جامعه را دارند.

الف: جمهوری اسلامی علاوه بر سرکوب و عقب نشینی، اساسا در عرصه های اجتماعی و فرهنگی، از یک طرف تلاش میکند بخشی از جامعه را «خنثی و راضی» نگاه دارد و از طرف دیگر با استفاده از رقابت های جهانی، شکاف های بین المللی و منطقه ای و از جمله فاجعه نسل کشی اسرائیل در غزه، جامعه را تحت انقیاد نگاه دارد و پایه های نظام را حفظ کند. قبول دو فاکتور لگو حجاب، «فصل کردن» برخی قوانین مذهبی و محدودیت ها، عقب نشینی است که به امید کاهش فشار جنبش خلاصی فرهنگی و خنثی شدن بخشهایی از جامعه و نیروهای سیاسی که با جمهوری اسلامی صرفا مشکل فرهنگی و مذهبی دارند، صورت میگیرد.

از طرف دیگر دامن زدن به تبلیغات جنگی و پروپاگاندا ناسیونالیستی و بلند کردن پرچم «ایرانیت» و نقش بین المللی جمهوری اسلامی تلاشی است جهت درهم شکستن مقاومت یائین در مقابل تحمیل فقر و گرانی بیشتر و در انتظار نگاه داشتن جامعه.

این شرایط از طرفی اپوزیسیون راست، از ناسیونالیسم عظیم طلب ایرانی تا ناسیونالیستهای کرد و جریانات قومی، را خلع سلاح میکند و بخشی از پایه اجتماعی این نیروها را در جدالهای آتی با جمهوری اسلامی خنثی خواهد کرد و از طرف دیگر ناسیونالیسم شرق زده و غیرسلطنتی در ایران را، در درون و بیرون از حاکمیت، دنباله رو خود و مدافع «محور مقاومت» میکند. بازنده این تلاش ها نیروهای مختلف ناسیونالیست در اپوزیسیون اند، اما هر درجه موفقیت جمهوری اسلامی در این تلاش به پولاریزه شدن بیشتر صفتبندی های سیاسی و اعتراضی جامعه و جنبش سرنگونی منجر میشود.

ب: اپوزیسیون راست بورژوازی که در مقطع کوتاهی با اتکا به امکانات وسیع رسانه ای، فضای سیاسی و تبلیغی در داخل و خارج را اشباع کرده بود، به دلایل داخلی و بین المللی در زدن مهر خود بر فضای سیاسی و اعتراضی در جامعه ناتوان ماند. این اپوزیسیون از تبدیل جنبش انقلابی در ایران به دستمایه و امکانی برای دخالت دول غربی و به اهرمی برای تبدیل خود به آترناتیو مطلوب این دولتها، در این دوره شکست خورد. اپوزیسیون راست علیرغم عقیم ماندن تلاش هایش در زدن رنگ ملی، قومی و مذهبی به زندگی و جدال مردم برای آزادی و رفاه، در تحمیل خود بعنوان آترناتیو مورد قبول اکثریت و بالاخره تلاش در تقلیل آزادیخواهی و برابری طبلی مردم به بازگشت به گذشته یا آزادی پوشش محلی و... هنوز یکی از نیروهایی است که شانس زدن مهر خود بر تحولات آتی در ایران را دارد.

نیروهای این اپوزیسیون علیرغم اختلافات درونی خود، بعنوان یک بلوک در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم ایران برای رهایی و بویژه در مقابل طبقه کارگر و جدال آن علیه نظام اقتصادی-سیاسی حاکم خواهند ایستاد. از دست دادن پایه های اجتماعی این نیروها از طرف ظرفیت و پتانسیل آنان در دست بردن به سیاستهای مخاطره آمیز را بالاتر میبرد و از طرف دیگر نیاز آنان به توافق با بخشهایی از حاکمیت را تشدید میکند. نقطه قدرت و یا شانس این اپوزیسیون نه پایه اجتماعی قوی و موثر که کمکهای دولتهای غربی و با اتکا به امکانات عظیم مالی و رسانه ای و جذب بخشهایی از حاکمیت به خود خواهد بود.

پ: طبقه کارگر و جنبش کمونیستی، علیرغم عدم موفقیت در تبدیل شدن به نیروی رهبری کننده خیزشهای توده ای، منجمله ۱۴۰۱، اما مهر خود را به رادیکالیسم عمومی در جامعه زده است. امروز آزادی و برابری در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از آزادی بیان و تشکل تا برابری کامل زن و مرد و رفع تبعیض از مردم بدلیل اعتقادات مذهبی و پیشینه قومی و ملی و گرایشات جنسی، با کمونیسم (بعنوان نماینده چپ) تداعی میشود.

عقب راندن تلاش بورژوازی، در حاکمیت و اپوزیسیون، برای دامن زدن به انشقاق در صفوف طبقه کارگر و مردم محروم، عقب راندن راه حلها و آترناتیوهای بورژوازی و... بدون نفوذ وسیع چپ و بطور ویژه سوسیالیستها ممکن نبود. پرچم این مقابله در خیزش ۱۴۰۱ آزادی زن، رفاه عمومی و اداره شورایی بود که به عنوان یک جنبش سراسری، در یک متحدانه با دشمن در قدرت و حاکمیت، همزمان هر نوع تقسیم بندی های کاذب ملی، ناسیونالیستی

و مذهبی را به حاشیه راند. امروز طبقه کارگر و کمونیستها، بیش از هر زمانی نیازمند متحد کردن سایر بخشهای جامعه زیر پرچم رادیکال خود هستند. هر درجه پیشروی جنبش بخشهای محروم جامعه برای معیشت و رفاه، و موفقیت های جنبش آزادی و رهایی زن، سیر پیشروی طبقه کارگر در جدال های آتی و سرنوشت ساز را تسهیل و آن را ممکن میکند.

۴- تحولات آتی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی، با پولاریزه شده فضای سیاسی و اجتماعی در جامعه و رودررویی مستقیم تر جنبشها و نیروهای سیاسی و در دل رویدادها و صف بندی های جهانی، روندی پیچیده و چند وجهی خواهد داشت. آینده و سرنوشت جامعه اساسا به وزن یا قدرت هر یک از سه نیروی اصلی، یکی در قدرت و دو نیرو در اپوزیسیون، در زدن مهر خود به تحولات آتی در ایران بستگی دارد. سایر نیروهای چپ و میانه یا در حاشیه قدرت حاکم یا در مدار دو نیروی اپوزیسیون و اساسا حول دو جنبش سیاسی ناسیونالیسم و کمونیسم نقش ایفا میکنند.

- جمهوری اسلامی قادر به پیروزی در مقابل جنبش توده ای برای خلاصی از حاکمیت فقر و استبداد و تبعیض یا مستاصل و خانه نشین کردن میلیونها مردم تشنه آزادی و برابری که قدرت خود را در خیزشهای اخیر دیده اند، نیست. جمهوری اسلامی قادر به دادن امتیاز اقتصادی به طبقه کارگر و مردم محروم نیست و ادامه عقب نشینی ها در عرصه اجتماعی و فرهنگی در جامعه ای که مردم از هر عقب نشینی به نفع خود و برای پیشرویهایی بعدی استفاده میکنند، تیغ دولبه ای است که بقاء جمهوری اسلامی را تهدید میکند. تنها شانس و امکان جمهوری اسلامی، استفاده از شکاف های منطقه ای و بین المللی برای ساکت نگاه داشتن جامعه، ایجاد شکاف در صف متحد مردم و خارج کردن آنها از صحنه و بالاخره «خریدن وقت» به امید برون رفت از بن بست است. امری که تا امروز نه تنها جنبش برای خلاصی از جمهوری اسلامی را متفرق نکرده است که عقب هم نرزد است.

- اپوزیسیون بورژوازی با توجه به اولاف فضای سیاسی رادیکال در جامعه، وزن طبقه کارگر و گرایش سوسیالیستی آن، سمپاتی عمومی جامعه به راه حل رادیکال چه در پروسه سرنگونی و چه در آینده جامعه (اداره شورایی) بیش از هر زمانی به ایجاد شکاف در صف متحد مردم و خارج کردن آنها از صحنه سیاسی و جدال بر سر قدرت، اتکا به فضای میلیتاریستی و دخالت مستقیم ارتجاع جهانی در تحولات آتی متکی است.

تحركات این اپوزیسیون علیه چپ و میداننداری دوره ای آن، هر چند محدودیت های زیادی را به سیر پیشروی تحمیل کرد، اما چپ بودن فضای عمومی جامعه، ضدیت اپوزیسیون بورژوازی با خواسته ها و آرمانهای مردم معترض و انقلابی، را برجسته تر نشان داد. تبدیل جدال راست و چپ به جدالی سیاسی- اجتماعی در دل خیزش ۱۴۰۱ و دست رد این خیزش به سیاستها، آترناتیوها و شخصیتهای اپوزیسیون بورژوازی، مانع جدی و اصلی قدرتگیری اپوزیسیون راست در تحولات آتی است.

- کمونیستها بدلیل اولاف قدرت و نفوذ گرایش سوسیالیستی در طبقه کارگر و دوما سمپاتی عمومی به سیاستها و آترناتیوی که طرح کرده است، از نظر اجتماعی و جنبشی مهمترین نیرو محسوب میشود. امروز جای پای این کمونیسم در نگاه رهبران کارگری به قدرت و وزن این طبقه چه در جامعه و چه در تحولات اجتماعی و سیاسی قابل مشاهده است. نفوذ و سمپاتی به سیاستهای کمونیستی در سایر بخشهای جامعه، از زنان تا فرهنگیان و بازنشستگان و... در شعارها، مطالبات و جدال های آنها، غیر قابل انکار است.

نقطه ضعف این جنبش بیش از هر چیز به موقعیت کمونیستها و عدم آمادگی فعالین کمونیست طبقه کارگر و حزب ما، به عنوان بخش متحرک آن مربوط است. این تحولات يك بار دیگر نشان داد که انقلاب آزادیخواهانه در ایران نیاز به آمادگی کمونیستها و طبقه کارگر به عنوان رهبر تحولات جامعه دارد. آنچه امروز جمهوری اسلامی را سر پا نگاه داشته است، نه قدرت حاکمیت بلکه ضعف و کمبود جنبش ما و حزب ما به عنوان کمونیستهای آن است.

۵- کنگره تاکید میکند یکبار دیگر امکان و درجه پیروزی طبقه کارگر و کمونیسم، اینبار با اتکا به نفوذ سیاسی و اجتماعی آن در جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی دیگر، با اتکا به سمپاتی عمومی به آترناتیو آن در ابعاد اجتماعی باز شده است.

۶- شرط لازم عبور دادن ساام جامعه از تندبچههای مختلف در مسیر سرنگونی و پیروزی طبقه کارگر و آترناتیو کارگری، تلاش برای هژمون کردن مطالبات خود در تمام عرصه ها و جبهه های جدال جامعه با حاکمیت، و همزمان مقابله سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی کمونیستها، در راس آن حزب، با گرایشات بورژوازی و ضد کارگری، در جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی است.

۷- کنگره بر اهمیت نقش دخالتگرانه کمونیستها و حزب حکمتیست (خط رسمی) در جدال علیه بورژوازی حاکم به عنوان پرچمدار انقلاب کارگری و بر اهمیت بکار انداختن همه توان ظرفیتهای حزب برای دخالتگری کمونیستی خود در عرصه های اصلی مبارزه طبقاتی در جهت استراتژی سوسیالیستی خود تاکید میگذارد.

پیشنهاد دهنده: خالد حاج محمدی

حامیان: آذر مدرسی، امان کفا، ثریا شهابی، فواد عبداللهی، آسو سهامی، محمد راستی و آسو فتوحی

الف- کمک به پیشروی مبارزه جاری که هرروز بر سر حق زن در جامعه جاری است. اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای هرچه بیشتر به عقب راندن آن، و حفظ وحدتی که برسر مطالبات ماکزیمال حق زن، بدست آمده است. مقابله با هرگونه تعرض به هر زن و دختری که در هر محل کار و زندگی و تحصیل و .. به خاطر رفتار آزادانه، مورد تعرض قرار میگیرد. حمایت از فعالین و تلاش برای آزادی گروهانهای این جنبش از زندانها و فلج کردن ماشین سرکوب و ارباب حکومت.

ب- گسترش آگاهی در مورد تمام مطالبات زنان، در جامعه، خانواده، محیط های تحصیلی و کاری و قانون کار و روابط جنسی و ...! گسترش خودآگاهی فعالین و دست اندرکاران در مورد مطالبات پیشرو و انقلابی زنان، شرط شکل دادن به یک رهبری آماده برای پیشروی های بیشتر است.

پ- مقابله با جریانات درون حکومتی، اپوزیسیون راست، جریانات فرصت طلب قومی و مذهبی در قدرت یا در اپوزیسیون، که پا به پای تبلیغات حکومت، فروکش کردن این خیزش از اوج را نشان «شکست» و «عقب نشینی» میداند! یا به بهانه فقر افسار گسیخته و جدال جامعه بر سر معیشت یا خطر جنگ و بحران های مختلف، این جنبش را «ثانوی» و پیروزی آن را موکول به آینده های نامعلوم میکنند.

ت- تبلیغ و بطور دائم نشان دادن سنگرهایی که فتح شده است و دوره های سنگرهای بیشتری که بسرعت قابل فتح هستند!

ث: تحکیم و تعمیق پیوند مبارزاتی جنبش حق زن با جنبش کارگری و اعتراضات اقشار محروم جامعه علیه فقر و استثمار و آپارتاید جنسی، بعنوان دو رکن اصلی جدال برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای برابری و جامعه ای انسانی.

ج: مقابله و نقد جنبش ها و احزاب و جریانات بورژوازی که میکوشند به نام مخالفت با جمهوری اسلامی و محدود کردن حقوق زنان به حداقل ترین مطالبات فرهنگی، جنبش حق زن را در خدمت اهداف و آرمانهای ارتجاعی خود قربانی کنند. مقابله با جریاناتی که عمق توحش جنبش اسلامی علیه زنان و بی حقوقی کامل زن را دستمایه دفاع از گذشته و ارتجاع سلطنتی میکنند و یا به نام ملیتهای مختلف و سواستفاده از تبعیض های ملی و مذهبی، جنبش سراسری حق زن را شقه شقه میکنند و آنرا در خدمت جنبشهای عقب مانده، ناسیونالیستی و قومی قربانی میکنند.

چ: تلاش برای تامین رهبری جنبش آزادی زن توسط گرایش سوسیالیستی در این جنبش، تقویت موقعیت این گرایش و هدایت این جنبش در تمام اعتراضات در دفاع از مطالبات آن در همه سطوح. تلاش برای گسترش شبکه فعالین سوسیالیست و برابری طلب در جنبش حق زن.

ح: حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن تلاش برای رفع موانع فکری و سیاسی و عملی و سازمانی رهبران جنبش حق زن، به عنوان یک رکن سرنگونی جمهوری اسلامی، همه فعالین و شخصیتهای خوشنام و سوسیالیست را به پیوستن به این تلاش فرامیخواند. بی تردید تامین این مهم نه تنها سرنگونی جمهوری اسلامی را تسهیل که بعلاوه بهترین شرایط را برای انقلاب سوسیالیستی و پایان کامل بی حقوقی زن و جامعه ای برابر و آزاد تامین میکند.

پیشنهاد دهنده: ثریا شهابی

حامیان: آذر مدرسی، امان کفا، خالد حاج محمدی و فواد عبداللهی

۱۱ آوریل ۲۰۲۴

آزادی زن معیار آزادی جامعه است!

۲- جمهوری اسلامی ایران در مقابل این خیزش انقلابی، به سنگر دفاعی خزید و برای «بقا»، به انواع جنایات، قتل و آدم ربایی، سرکوب های ممکن دست زد، تلاشی که زیر فشار این خیزش شکست خورد و ماشین سرکوب حاکمیت را فلج کرد. این خیزش انقلابی تاریخ و فصل جدیدی از رابطه جامعه در بعد هشتماد میلیونی را، با جمهوری اسلامی گشود.

۳- جنبش های سیاسی، بورژوازی و پرولتری، راست و چپ، تقلیل گرا و ماکزیمالیست، اپوزیسیون های درون و بیرون از حاکمیت، در مورد دستاوردها و چشم انداز پیروزی این خیزش انقلابی، تبیین ها و راه کارهای مختلف دارند. از این رو ضروری است تبیین و راه کارهای یک جریان ماکزیمالیست، کمونیست، رادیکال و انقلابی، در پاسخ گویی به نیازهای پیشروی این خیزش انقلابی، به شفافیت در دسترس جامعه قرار گیرد.

۴- از این رو حزب حکمتیست (خط رسمی) بر مولفه های زیر، بعنوان دستاوردها و چشم انداز پیروزی جنبش آزادی زن در ایران، تاکید دارد.

الف: این تحول تاریخی، جنبش در ایران برای حق زن است که ضداسلامی بودن یک رکن آن است.

جنبشی که برمتن بیش از چهار دهه اعتصابات و اعتراضات کارگری، مبارزات نسل جوان آزادیخواه، اعتراضات و خیزش های اجتماعی سالهای اخیر، سر بلند کرد. جنبشی که همزمان ضدیت با مذهب و خرافات بعنوان ستون ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی و سلطه و حاکمیت مذهب بر سرنوشت انسان و بی حقوقی زن را هدف گرفته است.

ب: به حکم واقعیات ایزکتیو زیر، این جنبش چپ، رادیکال، انقلابی، ماکزیمالیست بود و هست!

بستر آماده ای که این جنبش بر آن عروج کرد. بستری که در آن پیشینه خیزش های متعدد محرومین و طبقه کارگر توازن قوا را در کل جامعه به نفع مردم تغییر داده بود!

داشتن مطالبات سراسری، پیشرو، غیرمذهبی، جهانشمول «غیربومی»، مدرن و ماکزیمالیست در مورد حق زن، که حجاب سمبل آن بود! این ویژگی، غیر مذهبی و مطالبات جهانشمول آن، قادر شد به اتحادی انقلابی و سراسری برای حق زن، در جامعه شکل دهد! اتحادی که بعلاوه بذره های آن در خاورمیانه، جهان عرب، افغانستان و سراسر جهان پخش شد و خود را به جریانات سنتی مدافع حق زن در غرب که حاکمیت ایدئولوژی نژادپرستانه «نسیبیت فرهنگی» را پذیرفته بودند، تحمیل کرد و جنبش زنان در جهان را در مقابل سوال های اساسی و ریشه ای در امر ربایی زنان، قرار داد.

خصلت رادیکال، غیر مذهبی و ماکزیمالیست این جنبش تمام تلاش های جریانات درون و بیرون حکومتی و منتقدین نیم بند تبعیض علیه زنان را خنثی کرده و همزمان با پاسخ های سراسری و اتحاد سراسری خود تلاشهای تفرقه افکنانه اپوزیسیون راست در ایجاد شکاف به بهانه تفاوت های جغرافیایی و مذهبی را خنثی و حاشیه ای کرد.

پ- خیزش انقلابی در ایران برای حق زن، عقب نشینی هایی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده است، که هیچ جریان بورژوازی، لیبرال، رفرمسیست، گذشته پرست و ملی و مذهبی، نه خواهان آن بود و نه توان انجام آن را با تکیه بر بیشترین منابع مالی و نظامی و لابی بین المللی داشتند. هیچیک از جریانات رفرمیست، اصلاح طلب درون حکومتی و اپوزیسیون راست عظمت طلب ایرانی و ناسیونالیست قومی، جریاناتی که از انقلاب بیش از جمهوری اسلامی و فاشیسم وحشت دارند، نه خواهان آن بودند و نه توان انجام آن را داشتند. لغو گشت ارشاد و تحمیل حق دوفاکتو برداشتن حجاب در سراسر ایران و عقب نشاندن دهها و دهها مقررات حفظ آپارتاید جنسی و تبعیض علیه زنان، سمبل شکست ایدئولوژیک و سیاسی است که این جنبش به یکی از ارتجاعی ترین، خشن ترین و بی رحم ترین حکومت های عصر تحمیل کرده است. این دستاورد، تنها و تنها حاصل خیزشی است که در جریان است و راه پیشروی خود را باز میکند.

۵- چشم انداز پیروزی جنبش حق زن، جنبش برابری کامل زن و مرد، تنها و تنها به نقش دست اندرکاران این مبارزه، فعالین رادیکال سوسیالیست در این جنبش و به کمونیست ها بستگی دارد.

در این واقعیت که هیچیک از قدرت های منطقه ای و جهانی، از جمله آمریکا و ایران، خواهان گسترش عملیات نظامی در کیس جنگ اسرائیل با میلیونها مردم فلسطینی به منطقه نیستند، تردیدی نیست. گسترش عملیات نظامی و میلیتاریستی در خاورمیانه، که در آن هیچیک از قدرت های جهانی و منطقه ای نه توان و نه امکان کنترل آن را دارند، در دستور کار هیچیک از قدرت های منطقه ای جز اسرائیل نیست. با این وصف اعلام حمایت بی قید و شرط آمریکا از اسرائیل در صورت رودرویی با ایران از زبان رئیس جمهوری آمریکا نه تنها چک سفید به دولت نتانیاهو بلکه و بعلاوه مسئولیت مستقیم بایستن و دولتش در قبال هر اقدام جنگ طلبانه دولت اسرائیل است.

با این وجود، این فضای ارباب و پروپاگاند جنگی، از همه طرف، مردم در ایران، اسرائیل و سایر کشورهای در منطقه، و جهانیان را میتواند مرعوب کند. فضای جنگی موجود مانع پیشروی جنبش عظیم مبارزاتی است که در سراسر جهان علیه اسرائیل و حامیان او پیاخوایسته است و با راه حل سیاسی خود، تلاش میکند که ماشین جنگی فاشیستی اسرائیل را افسار بزند.

عملیات نظامی اسرائیل، نسل کشی بیشتر از مردم غزه، تلاش برای جلب حامیان سنتی برای دخالت نظامی در خاورمیانه و ... عملیات «انتحاری» حکومتی است که جهانی علیه اش پیاخوایسته است. هیچ درجه از تحریکات نظامی و تروریستی به خروج اسرائیل از بن بست و انزوای جهانی و به تخفیف بحران سیاسی در داخل اسرائیل کمک نخواهد کرد.

بایکوت تسلیحاتی و نظامی، بایکوت سیاسی و دیپلماتیک، بستن سفارت خانه ها و قطع پای عوامل فاشیست صهیونیسم در همه کشورهای جهان، پاسخ سیاسی است که بشریت متمدن در مقابل جهانیان گذاشته است تا یک بار برای همیشه جهان را از میدان بازی میلیتاریسم جهانی به رهبری آمریکا، نجات دهد و به فاجعه غزه پایان دهد.

پروپاگاندهای نظامی متقابل جمهوری اسلامی و سنگ «دفاع از مردم فلسطین» را به سینه زدن، تبدیل کشمکش خود با دولت اسرائیل به کشمکش بر سر «حق مردم فلسطین»، تنها و تنها حربه ای برای کسب موقعیت در مذاکرات و دیپلماسی جهانی و وسیله ای برای ساکت کردن مردم و کاهش فشار جنبش اعتراضی سراسری است که علیه اش در میدان است. این جنگ مردم در ایران نیست! این جنگ ما در ایران نیست! پروپاگاندهای نظامی جمهوری اسلامی، کمترین ربطی به بی حقوقی مردم فلسطین ندارد. مردم در ایران، طبقه کارگر و جنبشهای پیشرو آن، بخشی از بشریت متمدنی است که برای حل معضل فلسطین، یک پاسخ مشترک سیاسی دارند. حل معضل فلسطین کار بشریت متمدنی است که تا امروز اسرائیل را به انزوای گسترده جهانی دچار کرده است و قادر است آن را حل کند. فضای میلیتاریستی از طرف قدرتهای ارتجاعی منطقه و جهانی تلاشی برای به سکوت کشاندن مردم آزادیخواه در سرتاسر جهان است. علیه این فضا باید با تمام قدرت ایستاد!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ آوریل ۲۰۲۴

پیام به کنگره ششم حزب کمونیست کارگری کردستان

رفقای عزیز

با گرمترین درودها

ضمن تشکر از دعوت شما جهت شرکت در کنگره ششم حزب، متأسفانه ما امکان حضور در این نشست مهم را نداشتیم. با این وصف خواستیم از این فرصت استفاده و ضمن آرزوی موفقیت برای کنگره نکاتی را با شما رفقای عزیز در میان بگذاریم.

بی تردید کنگره مهر تحولات این دوره، چه از زاویه اوضاع بین المللی و چه وضع منطقه خاورمیانه و چه تحولات عراق و کردستان عراق، را بر خود دارد. تحولاتی که رنگ خود را بر سیمای سیاسی جهان و منطقه زده است.

تحولات جهانی دوره اخیر که با شکست سیاست میلیتاریستی غرب به رهبری آمریکا و عقب نشینی آن از خاورمیانه همراه بود، این تحولات پایان جهان یک قطبی و عروج جهان چند قطبی را به عنوان یک واقعیت بدون برگشت در مقابل جهان قرار داد و همراه خود جهانیان را وارد دوره ای جدید کرد. کنار رفتن سایه جنگهای بزرگ امپریالیستی بر خاورمیانه، امکان و فرجه ای برای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در کل منطقه از ایران و عراق و کردستان عراق تا لبنان و ... باز کرد تا برای تامین مطالبات حق طلبانه خود دولتهای حاکم را زیر فشار بگذارند. موج اعتراضات سالهای اخیر در کردستان عراق و علیه دولت اقلیم کردستان و همزمان اعتراضات در عراق برای بهبود رفاه که هنوز هم در اشکال مختلف ادامه دارد، گوشه ای از تحولات در این منطقه است که همراه با اعتراضات وسیع، سراسری و آزادیخواهانه در شهریور ۱۴۰۱ در ایران جهانیان را متوجه یک جنبش انسانی و عدالتخواهانه در منطقه کرد که طبقه کارگر و زنان پای اصلی آنند.

همزمان مقاومت دول غربی و در راس آن آمریکا و عدم قبول موقعیت تضعیف شده و جدید خود در جهان به کشمکشهایی دامن زده که مخاطراتی را برای جهانیان به همراه آورده است. جنگ در اوکراین و تلاش دول غربی و ناتو برای ادامه آن به قیمت نابودی یک کشور و تلفات بسیار سنگین انسانی از مردم اوکراین، مانع آنها از توافق و پایان آن، ارسال کمکهای نظامی به این کشور و تحریکات و تحرکات با توجیه «جنگ با روسیه و تهدید حمله روسیه»، افزایش هزینه های نظامی کشورهای اروپایی و پروپاگاندهای تحریک آمیز دولتها و رسانه های رسمی، نگرانی و مخاطراتی را در مقابل بشریت قرار داده است.

در همین مدت و پس از حمله حماس در ۷ اکتبر به نیروهای اسرائیل، ما شاهد یکی از خونبارترین جنایات و نسل کشی از مردم فلسطین توسط دولت فاشیست اسرائیل با حمایت همه جانبه دول غربی و در راس آن دولت آمریکا هستیم. همزمان شاهد یک جنبش جهانی انسانی در حمایت از مردم فلسطین و علیه نسل کشی اسرائیل هستیم که سراسر جهان و از جمله همه کشورهای غربی را فرا گرفته و دولتهای غربی را به مصاف طلبیده است. این جنبش عظیم در غرب دفاع از مردم فلسطین و مقابله با نقش دولتهای غربی در این نسل کشی را به دفاع این مردم از حقوق انسانی خود در غرب و علیه تعرض بورژوازی در کشورهای غربی به معیشت طبقه کارگر را به هم گره زده است. در دل این جدال دولتهای غربی با پارلمان و سیستم های حکومتی، با احزاب سیاسی سنتی آنها، با فرهنگ و روینای سیاسی حاکم بر این کشورها و نقش مخرب میدیای رسمی در تحمیق مردم و به عنوان دستگاه پروپاگاندهای جنگی، زیر سوال رفته است. اکنون فاصله دولتهای غربی با طبقه کارگر و مردم در غرب شبیه کشورهای خاورمیانه شده است.

این اوضاع مستقل از دامن زدن به بحران در دولتها و سیستم پارلمنتاریستی و دمکراسی غربی همراه با حقوق بشر و سازمان ملل و بعلاوه بن بست و بی جوابی سیستم کاپیتالیستی و نیاز بشریت به پایان آن را به غایت گذاشته است. این حقایق بطور عینی نیاز به کمونیسم و انقلاب کارگری به عنوان تنها جواب واقعی برای یک جهان آزاد، برابر، مرفه و امن را در مقابل بشریت قرار میدهد.

رفقا!

علاوه بر این حقایق اکنون در عراق و کردستان عراق شاهد تحولاتی هستیم. کاهش حضور و شکست میلیتاریسم غرب در خاورمیانه و تلاش دولتهای منطقه برای کاهش تخصصات و جنگ بدلیل نیاز بورژوازی منطقه، علیرغم دعوای کوچکتر در میان خود، امری قابل مشاهده است. این دوره بعلاوه اعتراض جنبش کارگری در اشکال مختلف همراه با زنان، نسل جوان و اقشار محروم برای بهبود و رفاه و امنیت و آزادی زن در این منطقه در جریان بوده است. مستقل از موقعیت ایران و تحولات آزادیخواهانه این دوره و تأثیرات جهانی و منطقه ای آن، در کردستان عراق اکنون سالهای مدیدی است که حکومت اقلیم کردستان زیر فشار پایین جامعه قرار دارد. توهم به احزاب ناسیونالیست کرد و حکومت "خودی" فروریخته است و خواست سرنگونی این حاکمیت و کل حکومت قومی- مذهبی عراق روی میز طبقه کارگر و مردم محروم در کردستان و کل عراق است.

مستقل از سیر تحولات در عراق و کردستان عراق با بیش از از سه دهه حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد بر کردستان عراق و نقش مخرب آنها علیه کارگران و مردم زحمتکش، فقر و بی حقوقی تحمیلی آنها به این مردم، سایه سنگین توهم ناسیونالیستی بر طبقه کارگر در کردستان عراق بشدت فروکش کرده است. بعلاوه در کل عراق نیز همه احزاب و گروهبندی های مذهبی و قومی، ناسیونالیستی و ... از ناسیونالیسم عرب تا گروههای مذهبی شیعه و سنی با چند دهه حاکمیت خود و تحمیل فقر و توحش به جامعه، همگی امتحان پس داده اند و مورد نفرت اکثریت قابل توجهی از کارگران، زنان و نسل جوان و اقشار محروم جامعه اند. این شرایط زمینه را برای کاهش انشقاقات ملی و مذهبی در طبقه کارگر در کردستان و عراق و رشد مبارزه طبقاتی افزایش داده است. سناریوی خاورمیانه قومی-مذهبی شکست خورد، خیزشها و اعتراضات چند سال اخیر در عراق، لبنان و ... علیه دولتهای موزائیکی و نیروهای قومی و مذهبی حاکی این واقعیت است.

این اوضاع و تحولات منطقه و جهان، وظایف سنگینی را بر دوش سه حزب کمونیستی در منطقه، حزب کمونیست کارگری کردستان، حزب کمونیست کارگری عراق و حزب حکمتیست (خط رسمی)، به عنوان یک قطب متحد و متحزب در راس یک جنبش واقعی در منطقه با تأثیرات بزرگ جهانی گذاشته است.

این اوضاع قطعا به دخالت فعال، جدی و مسئولانه ما، با روشن بینی مارکسیستی و خط و سیاست پرولتری، به اراده و تصمیم ما برای ایفای نقش و دخالتی آگاهانه و جدی بستگی دارد. بی تردید کنگره شما میتواند با نگاه جدی، واقعیتناهنه به این اوضاع، با ریختن نقشه ای روشن و تصمیمات جدی سیاسی در این راستا قدمی جدی به پیش بردارد.

رفقای عزیز!

ما در این مسیر در کنار شما هستیم. برای شما و کنگره ششم حزب آرزوی موفقیت داریم.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۲ مارس ۲۰۲۴

اطلاعیه پایانی کنگره ششم حزب کمونیست کارگری کردستان

کنگره ششم حزب کمونیست کارگری کردستان پیروزمندانه به پایان رسید.

کنگره ششم حزب کمونیست کارگری کردستان با مشارکت اکثریت نمایندگان کنگره و جمعی مهمانان از فعالین توده ای و زنان و دوستان ارادتمند حزب و هیئتی از رهبری حزب کمونیست کارگری عراق شامل از رفقا سمیر عادل دبیر کمیته مرکزی و خلیل ابراهیم و عمار شریف اعضای دفتر سیاسی، در روزهای ۲۹ و ۳۰ مارس ۲۰۲۴ در شهر سلیمانیه برگزار شد.

ابتدا رفیق شیرین احمد به حصار خوش آمد گفت و به دنبال آن جهت مشروعیت بخشیدن به کنگره گزارش چگونگی برگزاری انتخابات نمایندگان گان کنگره توسط رفیق فواد صادق قرائت شد، و بعد از سرشماری نمایندگان کنگره بر حضور اکثریت آنان در کنگره تاکید گردید. بعد از اینکه هیچ شکایتی در رابطه با چگونگی انتخاب نمایندگان ارائه نگردید، نمایندگان به مشروعیت انتخابات نمایندگان کنگره (۶ششم) حزب رای دادند و از این طریق کنگره مشروعیت قانونی یافت و با سرود انترناسیونال و سکوت به پاس احترام یاد جانبختگان راه آزادی و برابری کار خود را شروع کرد.

در ادامه رفیق عثمان حاجی مارف، سخنرانی افتتاحیه کنگره را ارائه کرد که در آن به اهمیت جایگاه خاص کنگره چه در حیات سیاسی و سازمانی حزب و چه در پیوند آن به شرایط سیاسی کنونی کردستان و منطقه و جهان اشاره کرد. ایشان بعد از پایان سخنرانی افتتاحیه تعدادی از اعضای حزب را همچون هیئت اداره کنگره به نمایندگان معرفی نمود و از طرف نمایندگان کنگره به آنها رای داده شد. به دنبال آن رفیق سمیر عادل دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق پیام حزب را تقدیم کنگره کرد. همچنین پیامها و نامه هایی که برای کنگره فرستاده شده بود، از جمله پیام حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، پیام حزب حکمتیست (خط رسمی) و پیام کارگران ساختمان سازی قرائت شد.

کنگره بعد از تصویب آیین نامه و دستور جلسات از طرف نمایندگان، رسماً آغاز به کار کرد.

اولین موضوع جلسات کنگره عبارت بود از گزارش سیاسی مابین دو کنگره که توسط رفیق خسرو سایه رئیس دفتر سیاسی به کنگره ارائه گردید. رفیق خسرو سایه در گزارش خود به رئیس اقداماتی اشاره نمود که حزب در میان دو کنگره انجام داده و به نقاط قدرت و آن پیشرویهایی که حزب در فاصله کنگره پنجم و کنگره ششم داشته و بعلاوه به نقاط ضعف و موانع سر راه فعالیت حزب در این دوره اشاره نمود. رفیق خسرو سایه در گزارش خود، بر تغییراتی که از لحاظ سیاسی و اجتماعی در عراق و کردستان که بر متن اوضاع جهانی و منطقه ای ایجاد شده تاکید کرد و زوایای روند مبارزه طبقاتی را توضیح داد و بر همین مبنا افق سیاسی و مهمترین زمینه های فعالیت حزب و سر خط وظایفی که باید در دوره پیش رو انجام دهد را بیان کرد. شایان ذکر است که حاضرین در کنگره ضمن دخالت فعال از محتوای سیاسی این گزارش استقبال کردند.

موضوع دوم کنگره، ارزیابی گزارش کار ارگانها و کمیسیونهای حزب بود که قبلاً نسخه کتبی آن در اختیار نمایندگان و مهمانان کنگره قرار گرفته بود. مسئولین ارگانها و کمیسیونهای حزب هر کدام در مدت صحبت کردن خود به نتیجه گیری از نعللها و پیشرویهایی خود پرداختند و از طرف نمایندگان کنگره مباحث مربوط به آن انجام گرفت.

مبحث دیگر کنگره سند وضع سیاسی کردستان و وظایف حزب بود که توسط رفیق ریبار احمد ارائه گردید. رفیق ریبار احمد در بحث خود بر اهمیت ارتقاء توانایی سیاسی و عملی حزب و برجسته بودن آن همچون حزبی سیاسی و قوی و انقلابی تاکید کرد. حزبی که در عرصه های مختلف و با توجه به موقعیت جدید کردستان و معضلات بزرگی که احزاب بورژوازی جنبش ناسیونالیسم کرد بر سر توده کارگر و زحمتکش کردستان تحمیل کرده است، توانایی دگرگونی انقلابی را داشته باشد. ایشان همچنین در گفته هایش به این اشاره نمود که برای قدرتمند کردن پایگاه حزب در جامعه نیاز است که کمونیسم تبدیل به پرچم مبارزه کارگران، به پرچم مبارزه توده ای برای خواست و آرمان توده ستمدیده، تبدیل به پرچم مبارزه رهایی زن از بردگی گردد. ایشان همزمان به لزوم ایفای نقش برجسته حزب چون

اپوزیسیون اصلی و مشتاق قدرت که مبارزه می کند برای پایان دادن به حاکمیت فاسد، ستمکار و خونخوار کنونی مبارزه میکند، حزبی که میکوشد با برپا کردن حاکمیت شوراهای مردمی میکوشد آرزو و آرمانهای توده مردم را متحقق کند.

رفیق ریبار احمد همچنین اضافه کرد، با توجه به موقعیت جدید کردستان و عراق و تحولات منطقه، نیاز است که پایگاه کمونیسم قدرمند گردد و در این باره به ارتقاء هماهنگی و همگامی بیشتر میان دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان تاکید نمود. لازم است اشاره کنیم که رفقای شرکت کننده در کنگره با شور و شوق فراوان در بحثها مشارکت و از مضمون مبحث استقبال گرم نمودند.

موضوع دیگر برنامه کاری کنگره عبارت بود از سند حزب کمونیست کارگری کردستان، وظایف و چشم اندازها که توسط رفیق محسن کریم ارائه شد. ایشان در بحث خود اشاره نمود که حزب کمونیست کارگری مانند هر حزب جدی سیاسی، حزبی است که برای قدرت سیاسی مبارزه می کند و در هر مرحله از زیست سیاسی حزب با تشخیص سیاسی درست و استراتژی سیاسی روشن و اتخاذ تاکتیک سیاسی درست و عملی، در درون جامعه و در معادله سیاسی نیروهای اصلی جامعه همچون نیرویی که برای قدرت مبارزه می کند جایگاه خود را پیدا می کند. محسن کریم به این اشاره کرد که منظور از مقوله قدرت سیاسی تنها این نیست که حزب کمونیست کارگری از راه رهبری کردن طبقه کارگر و زحمتکش ستمدیده کردستان قدرت سیاسی و دولتی را تصاحب می کند، بلکه حزبی است که در هر شرایط و مرحله سیاسی جامعه و کشمکش نیروهای اصلی بورژوازی، آن چشم انداز را نمایندگی می کند و بخشی است از مکانیسم قدرت در درون جامعه که توانایی تحمیل تصمیم سیاسی و ممانعت از تصمیم سیاسی نیروهای حاکمیت و دولت را دارد. و به خاصیتهای اینچنین حزب سیاسی کمونیستی اشاره کرد که صاحب خط سیاسی و متمایز خودش هست که به مسائل مهم جامعه گره خورده است و با آنها شناخته می شود. حزبی که صفی از کادرها و سازمانها محلی در محیط کار و زندگی و کمیته های کمونیستی را دارد که سکویی است برای سازمان دادن توده ای و حزبی که بخشی است از جنبش کمونیست کارگری و انترناسیونالیست کارگری.

بند دیگر برنامه کار کنگره، به قطعنامه ها و قرارها اختصاص داشت که در این قسمت علاوه بر تصویب اسناد گزارش سیاسی، وضعیت سیاسی کردستان و وظایف حزب و همچنین حزب کمونیست کارگری کردستان، چشم اندازها و وظایفها، چند قرار دیگر از جانب کنگره تصویب گردید.

شایان ذکر است که هیئت حزب کمونیست کارگری عراق همچون نمایندگان کنگره فرصت بحث و گفتگو را دربار اسناد کنگره داشتند و همچنین مهمانان کنگره زمان مشخص خود را داشتند که در باره مصوبات کنگره نظرات خود را تقدیم کنند.

بخش پایانی کنگره مربوط بود به انتخاب اعضای کمیته مرکزی حزب بود. در این بخش (۲۵) نفر از رفقا به عنوان اعضا کمیته مرکزی انتخاب شدند که عبارتند از: آلان مارف، انور نوری، آزاد مجید، بنار مصطفی، جلال سعید، جمال محسن، خسرو سایه، دشتی جمال، ریبار احمد، ریبار عارف، شاباز محمود، عثمان محمد، فواد صادق، کامران لطیف، گشاور رحیم، محمود حلاق، مهدی رسول، نقده عثمان، رامان آزاد، سوسن سلیم، شیرین احمد، محسن کریم، عبدالله محمود، عثمان حاجی مارف و مصطفی باهیر.

کنگره بعد از سخنرانی اختتامیه رفیق عثمان حاجی مارف با سرود انترناسیونال و در میان شور و شوق حاضرین به کار خود پایان داد.

بعد از پایان کنگره، پلنوم بیست و نهم کمیته مرکزی برگزار شد. پلنوم ابتدا رفیق عثمان حاجی مارف را به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب نمود و همزمان یازده نفر از رفقا: ریبار احمد، عبدالله محمود، خسرو سایه، آلان مارف، دشتی جمال، آزاد مجید، جمال محسن، مهدی رسول، محسن کریم، ریبار عارف، و فواد صادق به عنوان اعضا دفتر سیاسی انتخاب گردیدند. دفتر سیاسی در جلسه خود رفیق خسرو سایه را به عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب نمود.

۴-۲۰۲۴

* اصل اطلاعیه به زبان کردی است و رفیق فرزاد نازاری آنرا به فارسی ترجمه کرده است

گل همینجاست اینجا برقص!

مظفر محمدی

۱- باور مردم از کجا می آید؟

آگوست کانت فیلسوف فرانسوی قرن هیجدهم گفته است که انقلاب اول باید در باور مردم صورت بگیرد! دین و مذهب هم چنین عقیده ای دارد و می گوید مردم اول باید مذهبی و دیندار شوند...

اما تاریخ تحولات جوامع بشری نه بر اساس باورها و مذاهب و ادیان بلکه بر پایه ی ابزارهای مادی و جدال های طبقاتی چرخیده است. کشف هر ابزار مادی زندگی بشر را متحول کرده است. مثل کشف آتش، ساختن ابزارهای شکار حیوانات برای تامین خوراک، کشاورزی و تشکیل کمون های اولیه ای زندگی جمعی، توسعه ی کمون ها به روستاها و سپس شهرها، جنگ های بر سر تصرف زمین و استفاده از بردگان بعنوان ابزار کار و تولید در خدمت برده داران، جنبش بردگان برای رهایی و آزادی، نظام ارباب - رعیتی و نهایتاً نظام امروزی سرمایه داری صنعتی و استفاده از کارگران بعنوان ابزار کار و تولید در خدمت سرمایه داران...

می بینیم که این تحولات تاریخی از دوران توحش تا تمدن، محصول کشمکش های مادی اجتماعی به دلیل تضاد منافع و تقسیم جوامع به قدرتمندان و زورگویان صاحب همه چیز حتی جان انسان ها و بینوایان و زبردستانی که هیچ چیزی جز زور بازو و کار بی اجر و مزد و یا رعیت صاحب بخشی از محصول کار خود و یا کارگر مزدی با سهم بخور و نمیر از محصول کار خود، است.

برای هر انسانی تنها مشاهده ی این سیر تاریخی کافی است تا بفهمد که تحولات تاریخی جوامع و زندگی بشر نه محصول باورها و عقاید و مذاهب مافوق بشر بلکه برعکس باورها و عقاید و مذاهب محصول شرایط کار و زندگی بشر اند. نیازهای زندگی و زنده ماندن بشر را به تکاپوی کشف راه های گوناگون تامین زندگی و حیات خود می اندازد. در این جدال باورها و از جمله ادیان نقشی جز تولید خرافات به نفع زورمندان نداشته و ندارد.

با تغییر در شرایط کار و زندگی جوامع بشری و پیشرفت علوم در زمینه های مختلف فیزیکی، شیمی، ریاضی، طب، علوم اجتماعی، اقتصاد، جامعه شناسی، زیست شناسی و... باورهای خرافی فلسفی و مذهبی و ارتجاعی تنها ابزار قدرتمندان برای فریب بینوایان بوده و هست. باورهای ذهنی و خرافی و دینی ابزار هیچگونه تغییری در بهبود شرایط زندگی جوامع بشری نبوده و نیست. اگر چنین بود کتاب های فلسفی ذهنی توضیح جهان یا واتیکان در غرب و مساجد و تکایا و آخوند و مشایخ اسلامی ها برای تعیین سرنوشت بشر بس بود. دیگر نیازی به مدرسه و دانشگاه و موسسات علمی و آموزشی نبود. اگر چنین بود هنوز زمین روی شاخ گاو بود. اما چنین نیست و نشده است. شرایط کار و زندگی انسان و نیازهای زندگی بشر، باورهای عصر حجر، خرافات دینی و افاضات فلسفی ماوراء طبیعی را به موضوعی پوسیده تبدیل کرده است.

باورها و عقایدی که برخاسته از جامعه طبقاتی و زندگی و رفاه و آزادی خوشبختی نیستند، اساساً برای توضیح و توجیه نابرابری و تبعیض و در خدمت مشروعیت دادن به حاکمیت طبقات دارا و محکومیت طبقه کارگر و اکثریت انسان های محروم است.

بهر درجه جنبش های آزادیخواهی و برابری طلبانه پیشرفت کرده، باورهای ذهنی و خرافات و دین به عقب رانده شده و بی خاصیت شده اند. مسیحیت با وجود تزریق بودجه ی کلان، امروزه در پشت دیوار واتیکان و کلیسا و کنیسه ها تنها یک مترسک و لانه ی ارواح پریشان و مرده ی متحرکی بیش نیست. اما اسلام و همه ی شعبات سنی، شیعی، سلفی، داعشی، طالبان... بعنوان یک باور خرافی همچنان مشغول تحمیل انسان و تخریب جوامع عقیمانده و گرسنه است. زمینه ی رشد و تکثیر ادیان و مذاهب، مرداب فقر و گرسنگی است. ادیان و مذاهب جامعه را به گند و مرداب فقر و تباهی می کشند تا مثل کرم و انگل خود رشد کنند و گسترش یابند.

زمانی شکم انسان سیر و جامعه بی نیاز و مرفه باشد، نیاز به خرافات اسلامی هم از بین می رود. برای انسان مرفه و خوشبخت، وعده ی خوشبختی در دنیای موهوم و بهشت موعود، پوچ می شود.

اما در حقیقت، وعده ی خوشبختی در دنیای پس از مرگ ناشی از باور اسلامگرایی سرمایه داران با عمامه و بی عمامه نیست. ابزار فریب و ریاکاری و کلاشی صاحبان قدرت و ثروت برای حفظ موقعیت مادی شان است. این واقعیتی قابل مشاهده است. انباشت ثروت کلان بنگاه های دینی در ایران از بیت رهبری تا آستان قدس رضوی و روسای حوزه های علمیه و بنگاه های تجاری و بانکی و شرکت های صادرات و واردات و غیره در دست عمامه داران از خامنه ای تا علم

الهدی و صدها آخوند سرمایه دار و ملک دار و تا سپاهیان پاسدار این نظام، بخاطر حفظ اسلام و خدا و دین نیست. این را هر کودک دبستانی هم می فهمد. این را هر انسانی که به خرافات دینی مسموم و مریض نشده باشد می فهمد و می بیند. جنگ های صلیبی و جنگ های اسلامی از بدو تولد دین، نه بخاطر رضای خدای آسمانی، بلکه تماماً و اساساً بر سر کسب زمین و ثروت و تاراج ملک و مال مردم و تصرف و تجاوز به زنان و دختران شان راه افتاده است.

۲- آیا کمونیسم یک باور و عقیده است؟

جواب بطور قطع منفی است. کمونیسم یک باور و عقیده ی ذهن بشر نیست. کمونیسم یک جنبش اجتماعی در مقابل شیوه ها و نظام تقسیم جامعه به طبقات و بالایی ها و پایینی ها است. این جدال هم یک جدال مادی واقعی و زمینی است. تاریخ پیشرفت بشر از دوران تقسیم جامعه به برده دار و برده، ارباب و رعیت و سرمایه دار و کارگر، شاهد و گواه این جدال زمینی و عینی و مادی است. از بدو تولد طبقه کارگر تا به امروز جنبش اجتماعی-طبقاتی و جدال طبقه کارگر با سرمایه داران، وجود داشته است. این جنبش در هر کشوری و با هر نظامی از دیکتاتوری تا دیکتاتوری نظامی و سیاسی در همه ی کشورهای سرمایه داری و تا نظام دینی و اسلامی در کشورهای عقیمانده، فارغ از نژاد و ملیت و قومیت و زبان و دین و... همیشه در جریان بوده است.

دستاوردهای طبقه کارگر در بخش های بزرگی از جهان از دستمزدها تا بیمه های اجتماعی و بیمه ی بیکاری و آموزش و بهداشت رایگان و آزادی های سیاسی و اجتماعی حاصل این نبرد طبقاتی مداوم و تعطیل ناپذیر است.

زمانی که ثروت و قدرت از دست سرمایه داران تبهکار گرفته و به جامعه سپرده شود، ابزار دین و وعده های خرافات بهشت و جهنم هم دود می شوند و به هوا می روند. و این یعنی کمونیسم. کمونیسم نه باور و عقیده ی ذهنی، نه آیه ی آسمانی و نه وعده ی بهشت موعود در دنیای دیگر است. کمونیسم یک جنبش اجتماعی و طبقاتی همین امروز و بر روی همین زمین برای برانداختن نظام بردگی مزدی و نظام قدرت و انباشت سرمایه در دست اقلیت مفتخور است. کمونیسم یک شیوه ی زندگی است. بورژوازی دین دار و بی دین، حق دارند از کمونیسم بترسند. اما ترسانان توده های فقیر و گرسنه از کمونیسم در واقع تلاشی مزورانه برای محروم کردن انسان از آزادی و برابری است. ترس سرمایه داران با عمامه و یا کلاه و پایون از کمونیسم ترسی واقعی است. ترسشان از کمونیسم بخاطر از دست رفتن دین شان نیست. ترس از دست دادن قدرت و ثروت است. قدرت و ثروت شان را بگیرند، به هیچ خدایی و هیچ صراطی مستقیم نیستند. تصور این که یک روز صدها هزار عمامه دار آخوند و طلبه ی مفتخور و سرداران سپاه، مجبور شوند مثل هر کارگری در کارخانه و یا هر بخش دیگر جامعه کار کنند و دستمزدی برابر با کارگران بگیرند، برایشان مثل یک کابوس است. تصور جامعه ی کمونیستی و سوسیالیستی که زن و مرد و جوان و پیر و کودک از حقوق کامل و برابر برخوردار باشند برایشان جهنم است. این کلاش ها و مفتخورانی که قدرت و ثروت را در دستان پلیس و فاسد و دزد خود قبضه کرده اند، در واقع بهشت شان را برخلاف باورهای دروغین شان در همین دنیا و بر همین کره زمین ساخته اند و جامعه را به جهنم ترسناک واقعی نه موعود در همین دنیا محکوم کرده اند. اگر دست به قدرت و ثروتشان بزنند، به جهنم مار و عقرب حواله ات می دهند. به قدرت و ثروت شان کاری نداشته باشید بهشت و حواریون و حوریان لخت را برای شما تصویر می کنند.

فهم این واقعیت های عینی جلو چشمان جامعه مشکل نیست. کمونیسم و سوسیالیسم و جامعه ی آزاد و برابر باورهای پلیس و عقاید دینی و مذهبی و خرافات را به گور می سپارد.

صحبت از شرف و وجدان و انسانیت و یا اصلاحات خیرخواهانه برای اقلیت مفتخور صاحب قدرت و ثروت بیهوده است. هیچ وقت و بهیچوجه نمی توان از سرمایه داران با عمامه و بدون عمامه، شرف و وجدان و هیچگونه اصلاحی را انتظار داشت. همانطوری که نمی توان شرف و وجدان و خواست رفاه و خوشبختی را از کارگران و بینوایان گرفت. جنگ کارگران و محرومان علیه زورمندان و ثروتمندان، جنگی اقتصادی و جدالی دایمی برای آزادی و برابری و رفاه و خوشبختی است. جنگ برای زندگی است. زندگی به تمام معنی. زندگی با همه ی خوشبختی هایش بدون آرزو کردن آن، و این یعنی کمونیسم.

کمونیسم خوشبختی را از آسمان دروغ و ریا و فریبکاری ادیان و مذاهب و خرافات صاحبان قدرت و ثروت به زمین می آورد. کمونیسم نه آیه است، نه قرآن و نه وعده ی چیزی. کمونیسم یک شیوه ی زندگی و برابری و انسانیت برای طبقه کارگر و بینوایان بر روی همین زمین نه در آسمان ها است. باید برای این شیوه ی زندگی جنگید و راهی جز این جنگ برای خوشبختی وجود ندارد. کمونیسم جنگ بی دین ها علیه دین داران نیست. جنگ طبقاتی است. جدال طبقه کارگر و زحمتکشان زن و مرد و جوان و کودک علیه طبقه دارا و صاحبان قدرت و ثروت است. این کمونیسم است. گل همینجاست، اینجا برقص!!!

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیر خانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی

قرار پیشنهادی به کنگره ۱۱

بحران محیط زیست

سرمایه داری سیاره ما را به چنان سیر قهقرایی کشانده که دانشمندان نتیجه ادامه روند کنونی را ششمین نابودی عظیم در تاریخ کره زمین می‌دانند. تغییرات اقلیمی در سرتاسر کره زمین تأثیرات مخربی به جا گذاشته و روز به روز و سال به سال وخامت اوضاع شدت پیدا می‌کند. پیامدهای تغییر اقلیم و تخریب محیط زیست از خشکسالی و سیل تا آتش‌سوزی جنگل‌ها، آلودگی هوا بیشترین تأثیر خود را بر طبقه کارگر و مردم فرودست گذاشته است، به شکلی که باعث بیکاری و یا کار بیشتر شده کارگران را در برابر بلایای طبیعی بی پناه رها کرده و بر مهاجرت های اقلیمی دامن زده است.

پیشرفت ویرانگر سرمایه داری منجر به از دست رفتن تنوع زیستی و در نتیجه تضعیف تخریب زیست‌بوم‌های جهانی شده است. در چند دهه اخیر تخریب محیط زیستی در ایران به واسطه چپاول اقتصادی ج ۱ و بی مسئولیتی کامل در برابر پیامدهای آن، روند شتابان داشته و امروز به یکی از اساسی ترین چالش‌ها و بحرانهای کشور تبدیل شده است.

۱- تغییرات اقلیمی بحرانی جهانی است و تخریب هر زیست بوم تأثیر خود را بر دیگر زیست بوم‌های کره زمین خواهد گذاشت. سرمایه داری در برابر فاجعه‌ای که به بار آورده تلاش می‌کند با وعده‌های واهی و با اسم رمز توسعه پایدار، سرمایه داری سبز امکان اقدام اساسی را سلب کند.

۲- چرخه سودگرایی اقتصاد در ایران چنان به تخریب محیط زیست و به طور خاص بحران آب دامن زده که کشور را در مسیر فروپاشی سرزمینی قرارداد است.

۳- بخش عمده ای از مراکز اقتصادی و صنایع در ایران آثار مخربی بر محیط زیست می‌گذارد. گرچه کارگران برای تامین معیشت امروز خود مجبور به اشتغال در این مراکز هستند اما ادامه فعالیت این مراکز به صورت مخرب نه تنها سلامت کارگران بلکه اشتغال و تامین معاش فردای آنان را به نظر می‌اندازد.

لذا کنگره ۱۱ حزب اعلام میدارد:

۱- مقابله با تغییرات اقلیمی نیازمند مبارزه‌ای انترناسیونالیستی است. ما وظیفه خود می‌دانیم که در سطح جهانی از طریق ارتباط با نیروهای مترقی و سوسیالیست به هر شکل ممکن در جهت اقدام جهانی برای حفاظت از زمین گام برداریم.

۲- تلاش برای تشکیل و تقویت قدرت تشکلات اجتماعی و محلی در راستای حفاظت از محیط زیست و زیست بوم های محلی بر عهده ماست.

۳- ما وظیفه داریم به تقویت آگاهی محیط زیستی کارگران کمک نموده و کارگران را نسبت به عواقب و آثار مخرب مراکز اقتصادی و تولیدی که در آن مشغول به فعالیت هستند آگاه کرده، به صورتی که خواسته اصلاح یا تغییر کارکرد آن مرکز اقتصادی به یکی از مطالبات اساسی کارگران تبدیل شود.

۴- قرارداد افق انقلاب سوسیالیستی در برابر کارگران به عنوان تنها راه حل مقابله با سرمایه داری و راه نجات محیط زیست برعهده ماست.

پیشنهاد دهنده: مهرداد نیاورانی

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۳:۰۵ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000